



بررسی مولکولی میزان شیوع آناپلازما در گاوهای منطقه سیستان

عاطفه فتحی^۱، رضا نبوی^{۲*}، وحید نعمان^۳، علی سارانی^۴

۱. دانشجوی سال آخر دکتری دامپزشکی دانشگاه زابل، دانشکده دامپزشکی

۲. دانشیار دانشگاه زابل، دانشکده دامپزشکی، بخش پاتوبیولوژی

۳. دانشیار مرکز تحقیقات جهاد کشاورزی استان اصفهان

۴. استادیار دانشگاه زابل، دانشکده دامپزشکی، بخش علوم درمانگاهی

rezanabavi@uoz.ac.ir

مقدمه: آناپلاسموزیک یک بیماری بندپا زاد است که با گونه های مختلفی از آناپلازما در گاو و سایر نشخوار کنندگان بیماری ایجاد میکند. آناپلاسموزیک حاد که توسط آناپلازما مارچیناله ایجاد میشود یکی از مهم ترین بیماری های نشخوار کنندگان سراسر جهان است و علت عمده ی ضرر اقتصادی در نواحی استوایی و نیم حاره می باشد که با علائم کم خونی همولیتیک همراه با تب، کاهش وزن، سقط، کاهش تولید شیر و در بعضی موارد مرگ دام آلوده همراه است. هدف از این تحقیق بررسی میزان شیوع آناپلاسموزیک در گاوهای حامل بدون علامت در منطقه ی سیستان با استفاده از تکنیک PCR می باشد. روش کار: تعداد نمونه مورد مطالعه ۱۰۰ عدد می باشد که به روش تصادفی از نقاط مختلف منطقه ی سیستان جمع آوری شده، نمونه های خون از ورید و داج گاوهای دارای علائم بالینی و همچنین بدون علائم بالینی اخذ می شود و در لوله های دارای ماده ی ضد انعقاد نگهداری خواهد شد، همچنین برای هر نمونه یک گسترش خون تهیه و با رنگ گیمسا رنگ آمیزی می شود. سپس استخراج DNA از خون انجام داده و روی DNAهای استخراج شده nested-PCR میگذاریم، سپس با استفاده از روش ژل الکتروفورز نتایج PCR را بررسی میکنیم. بحث و نتیجه گیری: در بررسی صورت گرفته از بین ۱۰۰ عدد گاو آزمایش شده در منطقه سیستان تعداد ۷۲ نمونه مثبت بوده، یعنی ۷۲٪ از گاوهایی که مورد آزمایش قرار گرفتند حامل بدون علامت آناپلازما می باشند. با توجه به اهمیت بیماری در زمینه ی اقتصاد و کاهش محصولات دامی میتوان به این نتیجه رسید که این میزان آلودگی نشان دهنده ی لزوم اتخاذ تدابیر کنترلی برای مهار بیماری در منطقه می باشد. کلمات کلیدی: آناپلازما، مولکولی، گاو، سیستان

بررسی اثر عصاره ی هیدروالکلی کبر (Capparis spinosa) بر پروتواسکولکس های کیست هیداتیک در شرایط

آزمایشگاهی

امیرحسین جعفری^۱، محمدرضا یوسفی^۱، محدثه ابوحنسینی طبری^۲، عباس علیزاده^۳

۱. گروه انگل شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاداسلامی، بابل، ایران

۲. دانشکده دامپزشکی، دانشگاه تخصصی فناوری های نوین آمل، آمل، ایران

۳. گروه فیزیولوژی، واحد بابل، دانشگاه آزاداسلامی، بابل، ایران

سابقه و هدف: کبر (Capparis Spinosa) گیاهی است دارای شاخه های چوبی دراز و باریک که عمدتاً در نواحی معتدل ایران و در دامنه ی کوه ها یافت می شود که در طب فولکلوریک به منظور درمان بیماری های انگلی انسان و دامها کاربرد دارد. مطالعه ی حاضر به هدف بررسی اثر پروتواسکولکس کشی عصاره ی هیدروالکلی آن انجام شده است. مواد و روش ها: پس از تهیه ی عصاره ی هیدروالکلی گیاه، کروماتوگرافی گازی-طیف سنجی جرمی به منظور تعیین اجزای آن انجام شد. پروتواسکولکس ها از کبدهای آلوده به کیست هیداتیک استخراج و پس از تعیین تست زنده بودن پروتواسکولکس ها به وسیله ی رنگ آمیزی ائوزین به مدت ۳۰، ۶۰ و ۱۲۰ دقیقه در معرض غلظت های مختلف (۱۰، ۲۵، ۵۰، ۱۰۰ μg/ml) قرار گرفتند. از آلبندازول نیز به عنوان داروی کنترل استفاده گردید. یافته ها: میزان اسکولکس کشی عصاره ی هیدروالکلی کبر در غلظت ۱۰ μg/ml در زمان های ۳۰، ۶۰ و ۱۲۰ دقیقه به ترتیب ۳۰/۶، ۴۸/۶ و ۵۵/۳٪ بود. آلبندازول با دُز مشابه در بازه های زمانی مشابه اثر کشندگی کمتری از خود نشان داد ولی در مقایسه با شاهد هر دو تیمار اثر معنی دار از خود نشان دادند (P < 0.05). بیشترین فعالیت اسکولکس کشی عصاره ی هیدروالکلی در غلظت ۱۰۰ و ۳۰ μg/ml و ۱۲۰ دقیقه پس از تیمار، دیده شد. برای داروی آلبندازول این اثر در دُز ۱۰۰ μg/ml پس از ۱۲۰ دقیقه مشاهده شد. نتیجه گیری: عصاره ی هیدروالکلی کبر دارای اثر پروتواسکولکس کشی قابل قبولی در مقایسه با داروی آلبندازول است و می توان از آن به عنوان یک ماده ی پروتواسکولکس کش طبیعی استفاده کرد.

کلمات کلیدی: کیست هیداتیک، عصاره ی هیدروالکلی، کبر، کروماتوگرافی گازی-طیف سنجی جرمی